



نقش کارکردهای شهری در توسعه‌ی روستایی

در منطقه‌ی بناب (از دیدگاه الگوی UFRD)

حسن اسماعیل زاده

دانشجوی دوره‌ی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی، توسعه‌ی فضایی، برنامه‌ریزی فضایی، بناب

مقدمه

عدم تعادل‌ها و توسعه‌ی ناموزون ملی و منطقه‌ای، همراه با رویکرد دولت در تمرکزگرایی و بخش‌گرایی ایجاد شد. سیاست دولت در ایجاد قطب رشد که از برنامه‌ی اول عمرانی (۱۳۳۷) شروع شد و در برنامه‌ی چهارم عمرانی (۱۳۴۷) شدت بیشتری یافت، امکانات و سرمایه‌ها را به منظور حداکثر سود در نقاط خاصی متمرکز کرد و همین امر باعث شد، نقاط دیگر کشور به خصوص روستاها، از نظام برنامه‌ریزی کشور حذف شوند. شکست نظریه‌ی قطب رشد با مهاجرت گسترده‌ی روستاییان به شهرها و افزایش جمعیت شهری و به تبع آن، ایجاد مشکلات شهری پدیدار شد. بدین ترتیب، در برنامه‌ی پنجم عمرانی (۱۳۵۶-۱۳۵۲)، سیاست عدم‌تمرکز و راهبرد توسعه‌ی مناطق به‌عنوان ضرورت، در دستور کار برنامه قرار گرفت و ضرورت و نیاز به برنامه‌ریزی فضایی روزبه‌روز بیشتر احساس شد [صرافی، ۱۳۷۹: ۷۱].

نابسامانی در سازمان فضایی کشورهای جهان سوم که در اثر عوامل گوناگون و تحت تأثیر سازوکارهای حاکم بر ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و سیاسی پدید آمده است، موجب گسستگی روابط بین شهر و روستا شده و عدم تعادل‌های منطقه‌ای را به وجود آورده است. این عدم تعادل‌ها را در توزیع جمعیت، فعالیت‌ها، خدمات و کارکردها در سطوح متفاوت سکونتگاهی، به خصوص بهره‌مندی نامناسب سکونتگاه‌های روستایی از خدمات و تسهیلات مراکز شهری می‌توان مشاهده کرد. در حالی که وجود یک سلسله مراتب سکونتگاهی و شبکه‌ی ارتباطی مطلوب، می‌تواند توزیع بهینه‌ی امکانات لازم را در نقاط روستایی و دسترسی ساکنان روستایی به خدمات شهری را میسر سازد. طبق «نظریه‌ی UFRD» که از طرف دنیس راندینلی مطرح شده است، به‌وسیله‌ی برنامه‌ریزی فضایی، این پوشش خدماتی از طریق شهرهای میانی می‌تواند ساختار فضایی مطلوبی را فراهم سازد.

تحقیق حاضر که برگرفته از پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد است، به بررسی همین دیدگاه می‌پردازد و آن را در یکی از مناطق ایران (شهرستان بناب) به آزمون می‌گذارد.

تحقیق حاضر با چنین نگرشی و با استفاده از الگوی UFRD، به سامان‌دهی فضایی سکونتگاه‌های روستایی پرداخته است و بدین ترتیب، مهم‌ترین اهدافی را که دنبال می‌کند عبارت‌اند از: شناخت ساختار فضایی منطقه‌ی بناب و ارائه‌ی یک برنامه‌ی توسعه‌ی فضایی برای منطقه، ایجاد شرایطی برای افزایش دسترسی روستاییان به امکانات و خدمات شهری، تنظیم فعالیت‌ها، توزیع امکانات و خدمات مطابق با استعدادها و قابلیت‌های کانون‌های زیستی.

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به سؤالات تحقیق، فرضیات زیر مطرح شده‌اند:

۱. سلسله مراتب کانون‌های زیستی بر مبنای عملکردهای چندجانبه‌ی مرکزی شکل گرفته است.
۲. مکان مرکزی (بناب)، در ارائه‌ی خدمات به سکونتگاه‌های پیرامون خود، به‌ویژه روستاها، به‌صورت مطلوب عمل نکرده است.
۳. طراحی شبکه‌ی ارتباطی (فیزیکی) در روابط فضایی منطقه، باعث توزیع مناسب امکانات و خدمات گوناگون (آموزشی، اداری، بهداشتی و غیره) و در نتیجه، افزایش دسترسی ساکنان به خدمات شهری نشده است.

روش‌شناسی تحقیق

برای تبیین وضع موجود و استدلال فرضیات و ارائه‌ی چارچوبی معنی‌دار برای مبانی سامان‌دهی، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و ترکیبی است که در یک کلیت منطقی در قالب فرایند علمی تحقیق صورت می‌پذیرد. رویکرد کلی حاکم بر فضای تحقیق نیز رویکرد سیستماتیک-براساس روش تحلیل سیستمی-است که تمامی محدودی‌منطقه (مکان مرکزی و روستاهای پیرامون) را در یک کلیت منطقی بررسی می‌کند.

روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق عبارت‌اند از:

الف) روش کتابخانه‌ای: در این روش، آمار و اطلاعات موجود در سرشماری‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط برداشت شده است.

ب) روش میدانی: مطالعه‌ی میدانی براساس مشاهده‌ی مستقیم (ادراکات عینی از محیط) و مشاهده‌ی غیرمستقیم (استفاده از نقشه‌ها و عکس‌های هوایی) و مصاحبه، انجام گرفته است.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز، از مدل‌های متعددی از قبیل «مدل پیش‌بینی جمعیتی» $(P_n = P_0(1+r)^n)$ ، «مدل تمرکز و پیوستگی»، «روش رتبه-اندازه» (مدل زیپف)، «شاخص مرکزیت و الگوهای مکان مرکزی» استفاده شده است. نقشه‌ها نیز از طریق نرم‌افزار GIS تهیه شده‌اند. بدین طریق که ابتدا در محیط Arcinfo، نقشه‌ها را رقمی کردیم و سپس در محیط Arcview، به تنظیم نقشه‌ها و تهیه‌ی Layout پرداختیم.

جامعه‌ی آماری دربرگیرنده کل منطقه‌ی بناب (شامل یک بخش، یک شهر و ۳۴ روستا) بود و کل منطقه (شهر بناب در ارتباط با روستاهای

اطراف آن) به‌صورت سیستمی بررسی شد.

مبانی نظری تحقیق

تاکنون تلاش‌های زیادی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی منطقه‌ای از طرف برنامه‌ریزان، اقتصاددانان، جغرافی‌دانان و... به‌منظور دست‌یابی به رابطه‌ای موزون و یکپارچه در روابط بین شهر (مکان مرکزی) و روستاهای پیرامون (نقاط غیرمرکزی) صورت گرفته است. نخستین تلاش در زمینه‌ی برنامه‌ریزی منطقه‌ای از طرف یوهان هنریک فون تونن در سال ۱۸۲۶ با عنوان «مدل حوزه‌ی نفوذ» مطرح شد. وی شهر بزرگی را تصویر می‌کند که با دشتی بزرگ دارای حاصل‌خیزی یکنواخت احاطه شده است. این شهر، محدوده‌ی روستایی خود را از نظر کالا و خدمات تأمین می‌کند و برای عرضه‌ی مازاد تولیدات کشاورزی نواحی روستایی، بازار فراهم می‌سازد. هزینه‌های حمل و نقل اهمیت زیادی دارند، در نتیجه کالاهای حجیم و سنگین در مجاورت شهر تولید می‌شوند و کالاهای سبک را در نواحی دورتر می‌سازند. بدین ترتیب نظامی از دایره‌های هم‌مرکز پدیدار می‌شوند [شکوئی، ۱۳۸۲: ۲۷۶]. هدف اصلی‌وی در این نظریه، خود شهر نیست، بلکه سازمان فضایی پیرامون آن است. ظاهراً وی معتقد به سلسله‌مراتب مراکز نیست، چرا که اعتقاد دارد، مراکز کوچک‌تر کارایی چندانی ندارند [اصلائی، ۱۳۷۳: ۵].

کریستالر نیز (۱۹۳۳)، با عنوان مکان مرکزی (ب) استفاده از نظریه‌ی فون تونن، مطالعاتی را در این زمینه انجام داد. عقاید کریستالر درباره‌ی نظام سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌ها، بیشتر به اصول تجاری و حمل و نقل متکی است [پیشین]. هدف اصلی نظریه‌ی مکان مرکزی، شرح و تبیین سازمان فضایی سکونتگاه‌ها و حوزه‌ی نفوذ آن‌هاست [شکوئی، ۱۳۸۲: ۳۷۹].

در سال ۱۹۲۴، «نظریه‌ی مکان عمومی» از آگوست لوش مطرح شد. وی بر این عقیده بود که «بین منحنی قیمت‌ها و منحنی تقاضاها رابطه وجود دارد و همین رابطه، بیان‌کننده‌ی میدان عمل و پرتوافشانی بازار شهری است که می‌تواند، تولیداتی را به واحدهای پایین دست خود عرضه کند. بنابراین، میدان عمل بازار شهر را در رابطه با بازارهای مجاور دیگر، به شکل‌های متفاوت می‌توان نشان داد:

● میدان جاذبه دو مکان مرکزی را می‌توان به شکل دو دایره دور از هم نشان داد، در این صورت، مکان‌های مرکزی نمی‌توانند فضاهای خالی بین میادین دارای جاذبه را پوشانند.

● ممکن است میدان جاذبه دو یا سه مکان مرکزی را به حالت مماس در کنار هم نشان داد. در این حالت، فضای خالی و دور از تأثیرات مکان‌های مرکزی به حداقل خود می‌رسد.

● برای از بین بردن فضای خالی می‌توان دایره‌ی یا میدان عمل مکان‌های مرکزی را به گونه‌ای به هم نزدیک ساخت که فضای خالی بین این میادین دایره‌ای به‌طور کامل حذف شود و از بین برود. در این صورت، بخشی از دایره‌ی روی هم سوار می‌شوند و در نقاط تداخل، بین مکان‌های

مرکزی رقابت به وجود خواهد آمد.

خدمات و امکانات بازاری به اقتصاد روستایی، تحرک و پویایی لازم را عرضه می کنند» [Douglass, 1998: 12].

از نظر دنیس راندینلی، «سیستم‌ها از شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی و تعامل و کنش متقابل بین آن‌ها شکل می‌گیرند و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند و روند کنش متقابل از طریق روابط سکونتگاه‌ها صورت می‌پذیرد. روستاها، شهرهای کوچک و مادرشهرها در یک شبکه‌ی تعامل اجتماعی دادوستد متقابل خدمات، کالا، تولیدات، فرآورده‌های کشاورزی و عرضه‌ی عقاید به هم می‌رسند» [شکوئی، ۱۳۸۲: ۳۱۵].

در ارزیابی رویکرد UFRD می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ضرورت وجود یک «ساختار سلسله‌مراتبی»^۱ از نظام سکونتگاهی برای کاهش اختلافات منطقه‌ای.
۲. یکپارچگی شهر و روستا و تأکید بر یک تقسیم‌کار منطقه‌ای در قالب حوزه‌های شهری-روستایی که هدف آن، آرایش و سامان‌دهی عرصه‌های فضایی به طور اعم است.
۳. اهمیت‌دهی به شهرهای میانی و کوچک که بیشتر با محیط و جامعه‌ی روستایی مانوس هستند و محرک توسعه در عرصه‌های روستایی محسوب می‌شوند.
۴. ارائه‌ی اطلاعات ذی‌قیمت درباره‌ی توزیع فضایی منابع و عملکردها به برنامه‌ریزان برای جبران ضعف‌ها و کمبودها به منظور ایجاد تعادل و توازن نظام جغرافیایی / فضایی.
۵. سادگی اصول و مبانی این رویکرد و استفاده از تکنیک‌های ساده و قابل انعطاف برای تبیین و تحلیل.
۶. اهمیت سرمایه‌گذاری در شهرهای میانی که کاهش فقر را (به ویژه در کشورهای در حال توسعه) به دنبال دارد [Rondinelli(b), 1985: 16].

اساس نظریات لوش بر فرضیات محدود و دقیقی هم‌چون فاصله‌ی مکانی حمل و نقل تولیدات به بازار، تولید انبوه و رقابت مبتنی است. در عین حال، عوامل دیگری نیز هم‌چون عوامل طبیعی، اقتصادی، انسانی و سیاسی کم و بیش تأثیرگذارند [رضوانی، ۱۳۷۴: ۱۹].

جان فریدمن، «نظریه‌ی مرکز-پیرامون» را در روابط بین شهر و روستا مطرح کرد. از نظر وی، مرکز (شهر)، کانون قدرت و پیشرفت اقتصادی است و پیرامون (روستاها/ اطراف) وابسته به کانون قدرت است [فریدمن، ۱۳۷۳: ۵۲].

نظریه‌ی دیگر در این زمینه، از طرف دنیس راندینلی (الگوی UFRD) مطرح شده است که چارچوب نظری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد. راندینلی معتقد است: «اهداف روستایی جدا از اهداف توسعه‌ی شهری نیستند. بدین علت که بازارهای اصلی برای دریافت مازاد تولیدات کشاورزی در شهرها قرار دارند. از طرف دیگر، بسیاری از عوامل تولید، مثل کود، بذر و حتی بسیاری از خدمات مورد نیاز روستاییان، مثل بهداشت و آموزش که در حوزه‌های روستایی توزیع شده‌اند، از مراکز شهری تغذیه می‌کنند. لذا یک برخورد دوطرفه بین شهر و روستا از دیدگاه راندینلی حائز اهمیت است و تعاملی که در ابعاد فضایی، اقتصادی و اجتماعی بین شهرها و روستاها از طریق شهرهای کوچک و میانی ایجاد می‌شود، اساس توسعه‌ی ناحیه‌ای را دربرمی‌گیرد.

اما محور کلیدی در نظریه‌ی راندینلی این است که ایجاد هر گونه تغییر در مناسبات شهر و روستا باید از طریق سلسله‌مراتب سکونتگاه‌های شهری صورت گیرد. یعنی دگرگونی در ساختارهای روستایی با تأمین و تقویت امکانات اجتماعی و اقتصادی در شهرهای میانی انجام می‌پذیرد. او معتقد است: «شهرهای میانی از طریق ایجاد

جدول ۱. ماتریس فرایند مطالعه به روش UFRD

ردیف	شناخت و تجزیه و تحلیل	عناصر مورد مطالعه	روش‌ها و فنون تحلیل
۱	منابع منطقه	طبیعی، انسانی و اقتصادی.	روش‌های رایج جمعیت‌شناسی، الگوهای اقتصادی.
۲	ساختار فضایی نظام اسکان و شکاف عملکردی	شهری، روستایی، سطح‌بندی سکونتگاه‌ها، میزان برخورداری سکونتگاه‌ها از امکانات و خدمات و شکاف کارکردها.	فراشه‌ی رتبه-اندازه، شاخص مرکزیت، شاخص تمرکز و پیوستگی، نقشه‌های تریسمی.
۳	قابلیت‌های دست‌رسی و تجزیه و تحلیل ارتباطات فضایی	نظام توزیع و مبادله‌ی کالا و خدمات، مراکز ارتباطی، نوع و کیفیت دست‌رسی، طبقه‌بندی محورهای دست‌رسی، شدت ارتباطات.	تحلیل جریان‌ها، تحلیل ارتباطات، تحلیل شدت قابلیت‌های دست‌رسی.
۴	بررسی مسائل و تنگناهای منطقه (نقاط قوت و ضعف)	بررسی کارکردهای سطوح متفاوت سکونتگاهی، تعیین نقاط برخورد و محروم، بررسی نقاط قوت و ضعف فعالیت‌ها در نواحی.	شاخص خدماتی، تحلیل نظام‌های درون منطقه‌ای و بیرون منطقه‌ای.
۵	تعیین راهبرد	هدف‌ها و سیاست‌های توسعه‌ی منطقه.	الگوی Tows.
۶	نتیجه‌گیری و نهادی کردن تحلیل فضایی	برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت.	ضوابط نظام برنامه‌ریزی کشور.

منبع: اصلانی، و جواد، ۱۳۷۳.

جدول ۲. وابستگی های مهم فضایی از نظر دنیس رانديتلی

انواع وابستگی ها	عوامل
ارتباط فیزیکی	شبکه راه ها، شبکه های حمل و نقل رودخانه ای، شبکه های راه آهن، ارتباطات تکنولوژیک.
ارتباط اقتصادی	ارتباط تولیدی، نحوه مصرف، جریان درآمد، جریان کالای بین ناحیه ای.
تحرک های جمعیتی	مهاجرت موقت یا دائم، آمد و شد برای کار.
روابط تکنولوژیک	ارتباطات تکنولوژیک، سیستم های آبیاری، سیستم های ارتباط از دور.
تعامل اجتماعی	نحوه ی دیدار، نحوه ی خویشاوندی، مراسم و فعالیت های مذهبی، روابط متقابل اجتماعی.
روابط در زمینه توزیع خدمات	جریان انرژی، شبکه ی مالی و وام، ارتباط آموزشی و تعلیماتی، سیستم های توزیع خدمات درمانی، عرضه ی خدمات شخصی، تجاری و فنی، سیستم های حمل و نقل.
روابط سیاسی و اداری	ارتباط متقابل ساختاری، جریان بودجه دولتی، وابستگی متقابل سازمانی، وابستگی اداری و سیاسی.

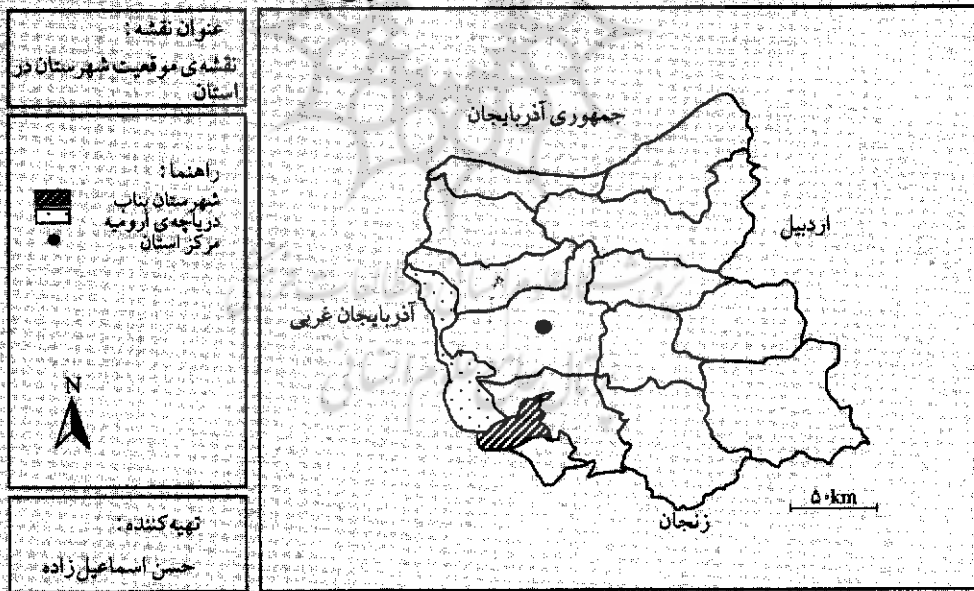
منبع: شکوتی، ۱۳۷۳؛ ص ۲۶۸.

ناحیه ی مورد مطالعه

وسعت، تنها ۱٫۷ درصد از کل وسعت استان را در پوشش خود دارد. این شهرستان دارای یک بخش (بخش مرکزی)، یک شهر (شهر بناب)، سه دهستان، ۳۴ روستای دارای سکنه و یک روستای خالی از سکنه است. در سال ۱۳۷۵، جمعیت منطقه ۱۱۲۹۸۵ نفر بود که در مقایسه با جمعیت سال ۱۳۶۵ (۹۰۲۰۵ نفر) افزایش چشم گیری داشته است. نرخ رشد جمعیتی در این منطقه، ۲٫۵ درصد است. با در نظر گرفتن این نرخ رشد، جمعیت منطقه در سال های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰ پیش بینی شده است.

شهرستان بناب در جنوب غربی آذربایجان شرقی قرار دارد. حدود شمالی، شرقی و غربی آن را، شهرستان مراغه می پوشاند و شهرستان «ملکان» در حدود جنوبی آن قرار دارد. از سمت غرب نیز به دریاچه ی ارومیه منتهی می شود. این شهرستان، در ۳۷ درجه و ۲۰ دقیقه ی عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۵۲ دقیقه ی طول شرقی قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۲۸۰ متر است. منطقه ی مورد مطالعه از نظر وسعت، کوچک ترین شهرستان استان به شمار می رود و با ۷۹۰ کیلومتر مربع

نقشه ی ۱. موقعیت شهرستان بناب در استان آذربایجان شرقی



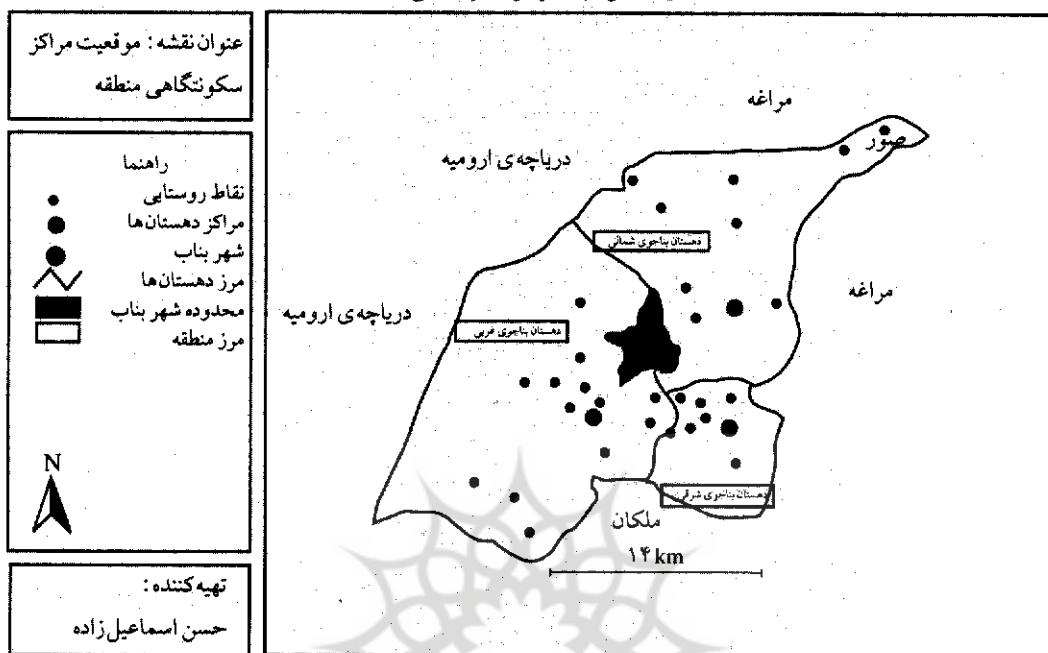
جدول ۳. پیش بینی رشد جمعیت شهرستان به تفکیک مناطق در سال های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰.

سال	۱۳۶۵	۱۳۷۵	درصد رشد	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۴۰۰
شهری	۴۵۸۸۵	۶۳۲۴۰	٪۲٫۵	۸۰۹۲۵	۹۱۵۹۰	۱۱۷۲۴۳
درصد	۵۰٫۸۶	۵۵٫۹۸	—	۵۶	۵۵٫۹	۵۵٫۹۷
روستایی	۴۴۳۲۰	۴۹۷۴۵	٪۲٫۵	۶۳۶۷۷	۷۲۰۴۵	۹۲۲۲۴
درصد	۴۹٫۱۴	۴۴٫۰۲	—	۴۴	۴۴٫۱	۴۴٫۰۳
کل	۹۰۲۰۵	۱۱۲۹۸۵	٪۲٫۵	۱۴۳۹۰۲	۱۶۳۶۳۵	۲۰۹۴۶۷

تعیین شده است که در سلسله مراتب سکونتگاهی براساس جمعیت، از «مدل زیپف» و در سلسله مراتب سکونتگاهی براساس کارکرد، از شاخص مرکزیت و «مدل تمرکز و پیوستگی» استفاده شده است. با توجه به بررسی های انجام گرفته در زمینه ی نظام سلسله مراتب جمعیت

گروه های عمده ی شغلی در منطقه، شاغلین در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات را شامل می شوند. در آبان ۱۳۷۵، در بخش کشاورزی ۳۶/۹۶ درصد در بخش صنعت ۲۲/۳۰ درصد و در بخش خدمات ۴۱/۳۱ درصد فعالیت داشته اند.

نقشه ی ۲. موقعیت مراکز سکونتگاهی منطقه



سکونتگاه های روستایی برحسب قاعده ی رتبه - اندازه (زیپف)، نظام سلسله مراتبی جمعیت دهستان های منطقه (همان گونه که در جدول ۵ نیز آورده شده است) از نظم خاصی تبعیت نمی کند و از نظر مرتبت، جمعیت بزرگ ترین دهستان با جمعیت کوچک ترین دهستان، تفاوت چندانی ندارد. این امر برای دهستان های منطقه به تفکیک روستاها نیز انجام گرفته است و نتایج به دست آمده نشان دهنده ی بی نظمی میان سطوح متفاوت مراکز جمعیتی است.

بررسی امکانات و خدمات مراکز سکونتگاهی، با استفاده از

تحلیل نظام سکونتگاهی و روند تحولات فضایی منطقه

استقرار و نحوه ی پراکنش سکونتگاه ها در منطقه ی بناپ، با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی آن، نظیر ناهمواری ها، وجود زمین های کشاورزی، و دست رسی به منابع آب صورت گرفته است. اکثر ساکنان روستایی آن کشاورزند و ساکنان شهری نیز، اکثراً در فعالیت های صنعتی - کشاورزی و خدمات اشتغال دارند. بقا و توسعه ی شهر بناپ در درجه ی اول، منوط به منابع آبی و وجود رودخانه های متعدد در این شهر و در درجه ی دوم، وابسته به محورهای ارتباطی منطقه است.

جدول ۴. سلسله مراتب جمعیت دهستان های بناپ در سال ۱۳۷۵

نام دهستان	جمعیت	رتبب نزولی	رتبه	سلسله مراتب جمعیتی	نام دهستان	تفاوت سلسله مراتب با جمعیت
بناجوی شرقی	۱۲۳۱۷	۲۵۰۶۲	۱	۲۵۰۶۲	بناجوی غربی	--
بناجوی شمالی	۱۲۳۶۶	۱۲۳۶۶	۲	۱۰۰۴۰	بناجوی شمالی	+۲۳۲۶
بناجوی غربی	۲۵۰۶۲	۱۲۳۱۷	۳	۵۸۷۹	بناجوی شرقی	+۶۴۳۸

منبع: زنجانی، ۱۳۷۰: ۷۵

شاخص مرکزیت و مدل تمرکز و پیوستگی انجام گرفته است. «شاخص مرکزیت» با توجه به امکانات متفاوت آموزشی، بهداشتی - درمانی، فرهنگی، تسهیلات عمومی و... برای دهستان های متفاوت منطقه معین شده و نتایج نشان دهنده آن است که هیچ گونه تغییری در انتخاب مراکز دهستان ها وجود ندارد. روستاهای «روشت بزرگ»، «خوشه

الگوی استقرار مراکز روستایی شهرستان، از نظم خاصی تبعیت نمی کند و مانند شهر بناپ، وجود منابع آبی و زمین های حاصل خیز کشاورزی و هم چنین محورهای ارتباطی منطقه و خط آهن تهران - تبریز، عوامل مهم توسعه ی این مراکز هستند. سلسله مراتب نظام سکونتگاهی منطقه بر اساس جمعیت و کارکرد

مهر» و «خانه برق قدیم»، همان گونه که قبلاً مرکز دهستان محسوب می شدند، در این بررسی نیز به عنوان مراکز دهستان ها انتخاب شدند.

«مدل تمرکز و پیوستگی» برای نمایش نحوه ی توزیع و پراکندگی خدمات و امکانات متفاوت در سطح دهستان ها به کار گرفته شده است [مؤمنی، ۱۳۷۷: ۷۳] که نتایج حاصل در سه سطح متعادل (۱۰۰-۷۵)، تقریباً متعادل (۷۵-۵۰) و نامتعادل (کمتر از ۵۰)، آورده شده است (برای نمونه، نمایش نحوه ی توزیع مدارس ابتدایی ارائه شده است).

جدول ۵. محاسبه ی چگونگی توزیع دبستان در دهستان های شهرستان بناب با استفاده از مدل تمرکز و پیوستگی

ردیف	نام دهستان	اندازه ی دهستان		مدارس ابتدایی	
		کیلومتر مربع	RP	تعداد	CP
۱	بناجوی شرقی	۹۹٫۴	۱۲٫۶	۱۲	۲۴٫۵
۲	بناجوی شمالی	۲۰۵٫۶	۲۶٫۲	۱۴	۲۸٫۵
۳	بناجوی غربی	۴۸۱٫۲	۶۱٫۲	۲۳	۴۷
۴	کل	۷۸۶٫۲	۱۰۰	۴۹	۱۰۰

متعادل ۱۰۰-۱۴٫۲=۸۵٫۸

شامل یک نقطه ی شهری (بناب) است که ۵۶ درصد جمعیت منطقه را در اختیار دارد. سطح دو، شامل مراکز دهستان هاست (روشت بزرگ، خوشه مهر و خانه برق قدیم) و بیشتر خدمات محلی ارائه می کند. سطح سه، شامل روستاهای مرکزی است و آن دسته از روستاها را در بر می گیرد که به عنوان نقاط مرکزی عمل می کنند (شورگل، روشت کوچک، چلقائی، زوارق، زاوش و خانه برق جدید). دامنه ی کارکرد این مراکز، در حد نیاز کارکرد مراکز روستایی است که شامل مدارس راهنمایی، مراکز دام پزشکی، مراکز مخابراتی، صندوق های پستی و عملکردهای سطوح پایین تر می شود. سطح چهار هم شامل مکان های غیر مرکزی است (غیر از مراکز یاد شده) که کارکردهای خدماتی در این نقاط، محدود و در سطح رفع نیازهای اولیه است. این مکان ها، ۲۶ درصد جمعیت منطقه را در اختیار دارند و باید در جهت ارائه ی برخی خدمات به این نقاط اقدام کرد.

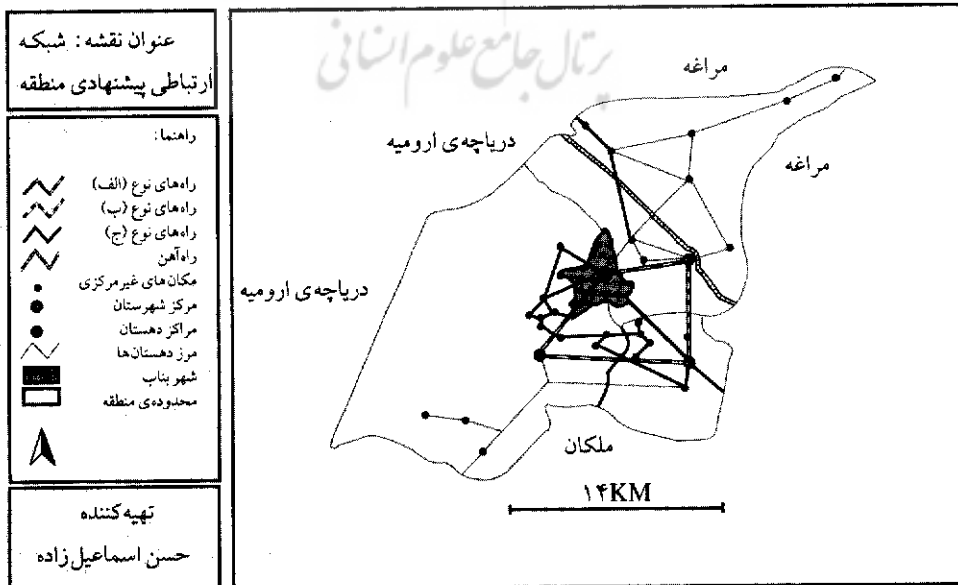
ارتباطات فضایی

همان گونه که گفته شد، تأکید اصلی UFRD بر ارتباطات فضایی است که در آن، دست رسی روستائیان به خدمات شهری تسهیل می شود. در این تحقیق، ارتباطات فضایی منطقه ی مورد مطالعه از ابعاد متفاوت (ارتباط فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، اداری، سیاسی و...) بررسی شده اند. بررسی های انجام شده در زمینه ی شبکه ی راه ها، نشان دهنده ی نقص در شبکه ی ارتباطی است. بدین معنی که یک شبکه ی ارتباطی منسجم بین مکان مرکزی (شهر بناب) با مراکز دهستان ها و مراکز دهستان ها با مکان های غیر مرکزی و مکان های غیر مرکزی با یکدیگر وجود ندارد و در نتیجه، منطقه از نظر ساختار فضایی، دچار نقص شده است.

با استفاده از این مدل، شکاف عملکردی هریک از خدمات و امکانات در کل منطقه محاسبه شده است. نتایج حاصل از این مدل برای منطقه ی بناب نیز نشان دهنده ی تعادل نسبی در توزیع امکانات و خدمات گوناگون در سطح منطقه است. ضمن این که در برخی از بخش های منطقه، شکاف عملکردی نیز مشاهده می شود.

از نظر سلسله مراتب کارکردهای خدماتی، سطوح خدماتی منطقه در چهار مرتبه قرار دارند: سطح یک که خدمات منطقه ای ارائه می دهد،

نقشه ی ۳. شبکه ی ارتباطی پیشنهادی منطقه بناب



در نقشه ی ۳، سه نوع راه ارتباطی برای منطقه طراحی شده است: راه های نوع الف (برای ارتباط شهر بناب با مراکز دهستان ها) به طول ۱۹ کیلومتر و راه های نوع ب (برای ارتباط مراکز دهستان ها با یکدیگر) به طول ۱۷ کیلومتر طراحی شده اند. راه های نوع ج نیز برای ارتباط مکان های غیر مرکزی با یکدیگر و با مراکز دهستان ها، تنظیم شده اند. در پیشنهاد شبکه ی ارتباطی سعی شده است تا حد امکان از تعرض به زمین های کشاورزی خودداری شود و تقریباً می توان گفت که از روش تبدیلی استفاده شده است. یعنی راه های نوع الف که راه های اصلی درجه ی اول محسوب می شوند، قبلاً به صورت راه های فرعی بوده اند و راه های نوع ب نیز، قبلاً تا حدودی به صورت راه های فرعی یا خاکی بوده اند (همراه با افزایش میزان آن ها). راه های نوع ج هم که در نقشه ی پیشنهادی به صورت آسفالته مطرح شده اند، قبلاً خاکی یا شوسه بوده اند.

از نظر وجود مراکز بازاری، منطقه از وضعیت مساعدتری برخوردار است. چندین نوع بازار (بازار روز، سه شنبه بازار، بازار دامی و...) در این منطقه وجود دارد که ساکنان منطقه ی بناب و برخی از ساکنان مناطق اطراف را تحت پوشش قرار می دهند. در بحث ارتباط اقتصادی، می توان به وجود کارخانجات و صنایع سنگین اشاره کرد که در شهر بناب (اغلب در شمال شهر) و دهستان بناجوی شمالی، متمرکزند و به ساکنان منطقه و مناطق اطراف خدمات ارائه می دهند. از عملکردهای مهم دیگر، عملکرد نهادها و ادارات دولتی و خصوصی است که بیشتر در شهر بناب متمرکزند. این نهادها نیز در سطح منطقه ای، خدمات متفاوتی ارائه می دهند.

آزمون فرضیات

الف) فرضیه ی اول: درخصوص فرض اول که گفته شد: «سلسله مراتب کانون های زیستی بر مبنای عملکردهای چندجانبه ی مرکزی شکل نگرفته است»، بررسی های انجام گرفته به ویژه در مبحث تحلیل نظام سکونتگاهی منطقه، نشان دهنده ی آن است که سلسله مراتب خدماتی منطقه ی مورد مطالعه، منظم است و از قاعده و قانون سلسله مراتب سکونتگاهی پیروی می کند. بدین ترتیب که در این منطقه، شهر بناب (به عنوان مرکز خدمات ناحیه ای) دارای بیشترین خدمات ارائه کننده به جمعیت ساکن است و مراکزی مانند بیمارستان، هنرستان، ورزشگاه و نیز مراکز اداری و انتظامی و کارکردهای سطوح پایین تر را داراست. پس از آن، مراکز دهستان ها قرار دارند که از مراکزی مانند دبیرستان، تعمیرگاه، دام پزشکی، دهداری و غیره که در مراکز سکونتگاهی سطح پایین تر وجود ندارند، برخوردارند. در سطح پایین تر، برخی روستاها که به عنوان روستاهای مرکزی محسوب می شوند (مانند روست کوچک، چلقائی، و خانه برق جدید)، خدمات ارائه می دهند. مراکز موجود در این روستاها، کارکردهای ارائه می دهند که در مکان های غیر مرکزی نظیر آن ها وجود

ندارد؛ مانند مدارس راهنمایی، خانه های بهداشت و غیره. بالاخره در پایین ترین سطح، مکان های غیر مرکزی قرار دارند که کارکردهای ضروری را برای ساکنان خود ارائه می دهند.

با این توصیف، می توان گفت، فرضیه ی اول که عبارت بود از «سلسله مراتب کانون های زیستی بر مبنای عملکردهای چندجانبه ی مرکزی شکل نگرفته است»، رد می شود.

ب) فرضیه ی دوم: درخصوص فرض دوم تحقیق، یعنی: «مکان مرکزی (بناب) در ارائه ی خدمات به سکونتگاه های پیرامون خود به ویژه روستاها به صورت مطلوب عمل نکرده است»، باید گفت که شهر بناب در ارائه ی برخی خدمات و کارکردها به سکونتگاه های پیرامون خود، چندان موفق عمل نکرده است (با توجه به نتایج حاصل از مدل تمرکز و پیوستگی). در مدل تمرکز و پیوستگی، شاخص های متفاوتی از قبیل مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، خانه ها و مراکز بهداشتی، آب، برق، تلفن و غیره، برای ارزیابی دهستان های منطقه آورده شده است. در این مدل، توزیع امکانات در سطح منطقه، همان گونه که توضیح داده شد، در سه سطح متعادل (بین ۱۰۰-۷۵)، تقریباً متعادل (۷۵-۵۰) و نامتعادل (کمتر از ۵۰)، تنظیم شده است. نتایج حاصل از کاربرد این مدل نشان می دهد که اکثر دهستان ها از نظر وجود این امکانات، وضعیت تقریباً متعادلی را کسب کرده اند. در برخی دهستان ها، توزیع برخی امکانات (مثل حمام)، متعادل نیست و دسترسی ساکنان روستاها به این نوع خدمات، با مشکل همراه است. همان گونه که در فرضیه ی سوم هم خواهیم دید، یکی از دلایل عدم دسترسی مطلوب ساکنان روستاها به خدمات شهری، طراحی نامطلوب شبکه ی ارتباطی در سطح منطقه است. لازم به ذکر است که منطقه ی بناب، مطابق نظریه ی کریستالر، در یک منطقه ی جغرافیایی مسطح و یکنواخت واقع شده است و خدمات رسانی به نقاط غیر مرکزی می باید به راحتی امکان پذیر شود. ولی به دلیلی که در فرض سوم توضیح داده خواهد شد، ما آشکارا شاهد وضعیت کاملاً متعادل در نحوه ی توزیع خدمات در این منطقه نیستیم. بنابراین با توجه به این توضیحات می توان گفت که فرضیه ی فوق اثبات می شود.

ج) فرضیه ی سوم: به طور کلی منطقه ی بناب از نظر شبکه ی ارتباطی، وضعیت مناسبی ندارد و این منطقه فاقد یک شبکه ی ارتباطی موزون، یکپارچه و منطقی است. بدین معنی که ارتباط بین شهر بناب با مراکز دهستان ها، ارتباط مراکز دهستان ها با همدیگر و ارتباط بین این مراکز با مکان های غیر مرکزی از نظم خاصی تبعیت نمی کند و منطقه ی یاد شده با فقدان سلسله مراتب منطقی شبکه ی ارتباطی مواجه است. همان گونه که در مباحث نظری تحقیق اشاره شد، یکپارچگی منطقه ای بر اساس الگوی UFRD، با تحقق وابستگی های فضایی بین مکان مرکزی و نقاط غیر مرکزی (شامل وابستگی های اقتصادی، خدماتی، سیاسی-اداری و...) انجام می گیرد که وابستگی و ارتباطات

مناسب فیزیکی، یکی از ارتباطات یاد شده است. در حالی که منطقه ی بناب، فاقد وابستگی ها و ارتباطات مناسب فیزیکی است.

پس می توان گفت، یکی از موانع عمده ی توسعه ی یکپارچه و فیزیکی روستاها و مراکز دهستان های منطقه، نبود شبکه ی ارتباطی منظم است. چرا که:

۱. شهر بناب دست رسی مستقیم به مراکز دهستان ها ندارد.
۲. راه های ارتباطی از نظر کیفی وضعیت مناسبی ندارند. مثلاً ارتباط شهر بناب با روست بزرگ (مرکز دهستان بناجوی شمالی) از طریق راه خاکی برقرار است و همین امر باعث شده است که این روستا در دهه ی اخیر با کاهش جمعیت مواجه شود. جمعیت زیادی از این روستا به شهرهای مراغه و بناب مهاجرت کرده اند. هم چنین، این مشکل (شبکه ی ارتباطی نامناسب) موجب شده است که روستای یاد شده (که یکی از مراکز دهستان در منطقه بناب است) ارتباطات متفاوتی با شهرستان مراغه برقرار کند و ارتباطات آن با شهر بناب، روز به روز کمتر شود.

۳. مراکز دهستان ها از نظر مرکزیت، وضعیت مناسبی ندارند و ارتباط روستاهای غیر مرکزی با این مراکز، از طریق طی مسافت زیادی برقرار می شود. ذکر این نکته الزامی است که اگر روستاهای منطقه (بر اساس فرض دوم) از برخی امکانات اولیه ی آموزشی، بهداشتی و... برخوردارند، به دلیل مساحت اندک و شیب بسیار کم منطقه است (منطقه ی بناب کلاً سه درصد مساحت استان را تشکیل می دهد و مطابق نظریه ی کریستالر، یکنواخت و مسطح است) که خدمات رسانی را آسان کرده است. بدین ترتیب می توان گفت که فرضیه ی سوم تحقیق که عبارت است از: «طراحی شبکه ی ارتباطی (فیزیکی) در روابط فضایی منطقه، باعث توزیع مناسب امکانات و خدمات (آموزشی، اداری، بهداشتی و غیره) نشده است»، اثبات می شود.

راهکارهای پیشنهادی

۱. طراحی یک شبکه ی ارتباطی منظم و منسجم بین شهر بناب (مکان مرکزی) با مراکز دهستان ها و مراکز دهستان ها با یکدیگر، و نیز بین این مراکز با مکان های غیر مرکزی.

۲. جلوگیری از مهاجرت بی رویه به منطقه با اعمال سیاست های کنترل مهاجرتی.

۳. توسعه ی خدمات اجتماعی، نظیر خدمات آموزشی، بهداشتی، درمانی، زیربنایی، با توجه به ضوابط و معیارهای موجود در سطح شهرستان.

۴. توسعه و گسترش فضاهای آموزش عالی و متوسطه و خدمات بهداشتی و درمانی و سایر خدمات در سطح شهرستان به تناسب مراکز سکونتگاهی.

۵. برنامه ی توسعه ی کشاورزی و صنعتی.

۶. بهسازی و نوسازی روستاها.

زیرنویس

1. Hierarchial Structure

منابع

۱. اسماعیل زاده، حسن. «برنامه ریزی توسعه ی فضایی شهرستان بناب». پایان نامه ی کارشناسی ارشد گروه جغرافیا. دانشکده ی علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس. زمستان ۱۳۸۲.

۲. اصلانی، رضا و جواد، علی اصغر. «برنامه ریزی توسعه ی فضایی شهرستان بیجار». رساله ی کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۷۳.

۳. راندینلی، دنیس. برابری، رشد و توسعه: تحلیل منطقه ای در کشورهای در حال توسعه. ترجمه ی سیدعلی بدری. اداره ی کل پژوهش های مسکن و وزارت جهاد کشاورزی. تهران. ۱۳۷۲.

۴. رضوانی، علی اصغر. روابط متقابل شهر و روستا با تأکید بر ایران. انتشارات دانشگاه پیام نور. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۴.

۵. زنجانی، حبیب الله. جمعیت و شهرنشینی در ایران (جلد اول: جمعیت ایران). مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۰.

۶. سازمان مدیریت و برنامه ریزی آذربایجان شرقی. نگاهی به نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵. استان آذربایجان شرقی. تبریز. ۱۳۷۶.

۷. شکوفی، حسین. دیدگاه های نو در جغرافیای شهری (ج ۱). انتشارات سمت. تهران. ۱۳۸۲.

۸. صرافی، مظفر. مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای. انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۹.

۹. فریدمن، جان و داگلاس، مایک. توسعه ی روستاشهری. ترجمه ی عزیز کیاوند. سازمان مدیریت و برنامه ریزی. تهران. ۱۳۷۳.

۱۰. مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی استان آذربایجان شرقی. شهرستان بناب. ۱۳۷۵.

۱۱. موحد، علی. برنامه ریزی توسعه فضایی بخش زواره (رساله ی کارشناسی ارشد). دانشکده ی علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس. تهران. ۱۳۷۶.

۱۲. مؤمنی، مهدی. درآمدی بر اصول و روش های برنامه ریزی ناحیه ای. انتشارات گویا. تهران. ۱۳۷۷.

۱۳. میسرا، آر. پی. «برنامه ریزی توسعه ی منطقه ای: در جست و جوی معنی و مفهوم». ترجمه ی عزیز کیاوند. فصل نامه ی برنامه و توسعه. انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی. تهران. ۱۳۶۶.

14. Douglass, Mike. A Regional Network Strategy For Reciprocal Rural-Urban Linkages: An Agenda For Research With Reference To Indonesia. Third World Planning Review. Vol 20. No. 1. 1998.

15. Rondinelli(a), Dennis. A. Applied Methods Of Regional Analysis. Westview. 1985.

16. Rondinelli(b), D. A. Equity Wity, Growth And Development. Regional Analysis In Developing Countries. Apa Journal. 1985.